

یادداشت

موفقیت تاریخی حماس



محمدعلی مهدی

کارشناس مسائل خاورمیانه

سرانجام، پس از ۴۸ روز جنگ بی‌امان بین رژیم صهیونیستی و مقاومت اسلامی فلسطین در نوار غزه، آتش‌بس موقت چهار روزه که پس از مذاکراتی سخت و پیچیده بین دو طرف با واسطه قطر مورد توافق قرار گرفت، اجرای آن از صبح جمعه آغاز شد. صرف نظر از جزئیات این توافق که در اخبار آمده، ابعاد و زوایای بسیار مهمی در این مورد مطرح است که در تحلیل کوتاه، مختصراً به دو مورد می‌پردازیم. نخست آنکه، رژیم اشغالگر که بیوسته روی ادامه جنگ و خودداری از آتش‌بس تأکید می‌کرد، چرا و به چه دلایلی آتش‌بس را پذیرفت، دوم، طراحی دقیق مذاکرات مربوط به آتش‌بس از سوی حماس است که به عنوان یک طراحی دقیق و موفق ضرورت دارد که در تاریخ ثبت شود. در مورد نخست که چرا اسرائیل مجبور به پذیرش آتش‌بس شد می‌توان به دلایل زیر اشاره کرد: نخست: هدف اصلی و اعلام شده رژیم اشغالگر ویران کردن نوار غزه و کوچ دادن بیش از دو میلیون سکنه به صحرای سینا بود. اما با گذشت زمان متوجه شد که تحقق این هدف امکان‌پذیر نیست لذا مسئولان رژیم از شکست دادن حماس و آزاد کردن آسرا، بدون مبادله سخن به میان آوردند و تأکید کردند که زمانی آتش‌بس موقت را می‌پذیرند که حماس همه آسرا را بدون قید و شرط آزاد کند. حماس اما با این تصمیم خطرناک مخالفت کرد در نتیجه، ارتش اشغالگر و دستگاه اطلاعاتی رژیم صهیونیستی برای کشف محل نگهداری اسرا به تکیاوی افتادند و در این مورد نیز چند بار در دام اطلاعاتی حماس افتادند و به تصور اینکه اتاق عملیات مقاومت و محل نگهداری اسرا در زیر بیمارستان الشفاء است، با زیر پا گذاشتن همه ارزش‌ها و مقررات حقوقی و انسانی، به این بیمارستان حمله کردند و پس از ورود به بیمارستان متوجه شدند که تیرشان به سنگ خورده و چیزی جز اجساد صدها بیمار که در در اثر نبود دارو و امکانات پزشکی جان باخته‌اند، در بیمارستان نیست. نتیجه آنکه ناپود کردن حماس و بازداشت فرماندهان آن غیر ممکن است و آزاد کردن اسرا جز با مذاکره و تبادل، امکان ندارد. دوم، اوضاع در داخل اسرائیل به شدت وخیم و غیر قابل تحمل شده بود. صهیونیست‌های داخل به هیچ وجه تحمل یک جنگ دراز مدت را نداشتند و نمی‌توانستند روزها و هفته‌های متمادی با شنیدن آژیر خطر به پناهگاه‌ها بگریزند. سکنه مناطق جنوبی زیر موشک باران مقاومت شهر کها و خانه‌های خود را رها کرده و به منطقه میانی کوچ کرده و سکنه شهر کهای شمالی نیز زیر فشار حملات حزب‌لبنان، به اردوگاه‌های منطقه میانی منتقل شده بودند. رسیدگی به این آوارگان در چادرها در اطراف اویلو و قنقل کار ساده‌ای نبود. از این گذشته، ارتش اسرائیل در شرایط بسیار بدی به سر می‌برد. هزاران نفر از نیروهای احتیاط و نیز خلبان‌ها از پیوستن به ارتش خودداری کرده بودند. آمار کشته‌های نظامی نیز روز به روز و ساعت به ساعت افزایش می‌یافت. هر چند دولت نتانیاهو با سانسور شدید، آمار واقعی تلفات را اعلام نمی‌کرد ولی همه می‌دانستند که آمار اعلام شده دروغ است و شمار تلفات ارتش این رژیم به احتمال قوی بیش از ۵۰۰ نفر است. حتی مدیر یک بیمارستان در اسرائیل با بی‌توجهی به سانسور دولتی اعتراف کرد که هر یک ساعت یک جسد به این بیمارستان تحویل داده می‌شود. اکثر این اجساد از نوار غزه به داخل منتقل می‌شد و تازه متوجه شدند که رخنه ارتش در نوار غزه نه ناشی از مهارت ارتش بلکه در واقع دامی از سوی مقاومت بوده تا افراد مقاومت بتوانند به راحتی هر روز از نقطه صفر به استفاده از موشک‌های «آر پی جی» و «تگ تیرانداز»، بیش از ۲۰ تا یک و زره پوش را منهدم و اجساد خدخمه و سربازان را روانه تل آویو کنند. در چنین شرایطی تظاهرات و اعتراضات روزمره خانواده‌های اسرای صهیونیست و خوشایوندان کشته‌ها علیه حکومت نتانیاهو فشار مضاعفی بر رژیم وارد می‌آورد و ادامه جنگ را مشکل می‌کرد سوم: تظاهرات گسترده مردمی در حمایت از غزه و فلسطین در سراسر جهان بویژه در اروپا و آمریکا خود عامل دیگری بود که رژیم اشغالگر را قانع کند که ادامه این روند نه فقط سودی ندارد، بلکه هر روز که می‌گذرد مسأله فلسطین را که سال‌ها به فراموشی سپرده شده بود در سطح جهانی زنده می‌کند و دنیا علیه اسرائیل به پا خاسته است. شعارهای #ceasefire now و #kffed (تلاش‌سب هم اکنون) و free Palestine (فلسطین را آزاد کنید) ابعاد جهانی پیدا کرده است و در این وضعیت تلاش تبلیغاتی مخالف صهیونیستی طی ۷۵ سال اینک بریاد می‌رود و چاره‌ای جز متوقف کردن این روند نیست. چهارم: مهم‌ترین عامل که باعث شد اسرائیل و آمریکا نه فقط آتش‌بس را بپذیرند بلکه برای بدست یافتن بدان تلاش کنند، ورود حامیان مقاومت بویژه در لبنان و یمن بود که خود بحث جداگانه‌ای را طلب می‌کنند. سرانجام به اعتراف همه تحلیلگران، پیروز این جنگ، مقاومت اسلامی بود و مهم‌ترین عنصری که در مذاکرات آتش‌بس را مدیریت کرد کسی نبود جز «جیاسنوار» که با مهارت چشمگیری همه مراحل را با برنامه‌ریزی دقیق طراحی و عملی کرد.

خبر

جانشین فرمانده نیروی زمینی ارتش مطرح کرد:

استفاده از هوش مصنوعی در تجهیزات ارتش

جانشین فرمانده نیروی زمینی ارتش درباره استفاده از هوش مصنوعی در تجهیزات ارتش اظهار کرد: یکی از مشخصه‌های اصلی تجهیزاتی که برای نیروی زمینی ارتش در نظر داریم هوشمندی آنهاست، یعنی اگر تجهیزاتی هوشمند نباشند اصلاً وارد نیروی زمینی نمی‌شوند. امیر سرتیپ نوذر نعمتی گفت: زمانی که تجهیزات هوشمند باشند، باید از فناوری هوش مصنوعی در بالاترین سطحی که در کشور وجود دارد، استفاده کرد. وی ادامه داد: جلسات هوش مصنوعی و تجهیزات متناسب با هوش مصنوعی به صورت منظم برگزار می‌شود و همه سازمان‌های تحقیقاتی که در کشور داریم و یا شرکت‌های دانش‌بنیان در کنار ما فعالیت می‌کنند و طرح‌هایی که ارائه می‌دهند مبتنی بر هوش مصنوعی است. امیر سرتیپ نعمتی با بیان اینکه ما باید متناوب با فناوری روز دنیا حرکت کنیم، افزود: دشمن اصلی ما آمریکا است و هر کسی هم صحبتی ضدايران کند، زیرمجموعه آمریکا محسوب می‌شود؛ به همین دلیل باید متناسب با این دشمن تجهیزات را طراحی کنیم. جانشین فرمانده نیروی زمینی ارتش گفت: بازدارندگی که امروز شاهد آن هستیم، قسمت اعظم آن مربوط به تجهیزات مدرنی است که استفاده می‌کنیم.

پیروز حناچی در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

شهرداری‌ها در حالت تعادل قرار ندارند

«بازگشت به رویکرد گذشته جفا به مردم تهران است

«هنر نیست در پایان مدیریت خرابه‌ای تحویل دهیم

«قرار نیست هر کسی شهردار تهران می‌شود یک

«خرابه تحویل مدیر بعدی بدهد



مدیری که در

چشم‌انداز قانون

حراکت نمی‌کند

به نتیجه نمی‌رسد

سنگین‌تر از درآمدهای آنهاست و گپ بین به وجود آمده را از طریق فروش شهر تأمین می‌کنند.

این اتفاق در شرایط کنونی نیز در مدیریت شهر تهران رخ می‌دهد؟

این موضوع به شیوه مدیریت شهری بستگی دارد. اینکه مدیریت شهری چه رویکردی در پیش می‌گیرد می‌تواند به تشدید و یا تضعیف این وضعیت منجر شود. متأسفانه در بودجه سال گذشته شورای شهر تهران این وضعیت در بودجه شهر تهران از زیر ۵۰ درصد به بالای ۷۵ درصد افزایش پیدا کرده است. در زمانی که بنده مدیریت شهر تهران را بر عهده گرفتم میزان درآمدهای ناشی از شهرسازی در تهران بالای ۷۵ درصد بود. با برنامه ریزی و اتفاق نظری که با شورای وقت شهر تهران وجود داشت روزی که مدیریت شهری را تحویل می‌دادیم این میزان وابستگی به زیر ۵۰ درصد کاهش پیدا کرده بود. به همین دلیل بازگشت به رویکرد گذشته جفا به مردم تهران است.

این سخن به معنای این است که اصولگرایی که مدیریت شهر تهران را بر عهده می‌گیرند در این مسیر حرکت می‌کنند؟

من به صورت سیاسی به مدیریت شهر تهران نگاه نمی‌کنم و معتقدم این یک موضوع تخصصی است.

شهرداری تهران خواسته یا ناخواسته به یک محل سیاسی تبدیل شده و افرادی مانند احمدی نژاد از همین شهرهای تهران به ریاست جمهوری رسیدند و با قالیباف از همین جرای برای ریاست جمهوری خیز برداشت. آیا این چنین نبوده است؟

من رقابت‌های سیاسی را در شهرداری تهران نفی نمی‌کنم. نتیجه رقابت‌های سیاسی در نهایت در امور اجرایی مشخص می‌شود. اتفاقاً سیاسیون اگر هوشمند باشند باید به این موضوعات توجه کنند و آنها را به برنامه تبدیل کنند. برنامه‌ای باید مورد توجه قرار بگیرد که کیفیت زندگی مردم را بیشتر کند. این هنر نیست که هر مدیری که مدیریت شهر تهران را بر عهده می‌گیرد در پایان دوران مدیریت خود یک خرابه به مدیر بعدی تحویل بدهد.

خرابه‌ای ایجاد شده ناشی از بی‌توجهی به برنامه‌های مدیریت شهری دیگر به راحتی قابل جبران نیستند. ممکن است اشتباهی در مدیریت شهری رخ بدهد که قابل جبران باشد اما تخریب برنامه‌های شهری به راحتی قابل جبران نخواهد بود و به عنوان هزینه بار روی دست مدیران بعدی قرار می‌گیرد. به همین دلیل ما حق نداریم به واسطه آنچه فکر می‌کنیم در زمان مدیریت خودمان صحیح است آینده شهر را با خطر مواجه کنیم.

مدیریت زاکانی بر شهر تهران چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی با دوران مدیریت احمدی نژاد و قالیباف دارد؟

من ترجیح می‌دهم از کسی نام نبرم اما معتقدم می‌توانیم براساس بررسی یک پروسه در دو دهه گذشته شرایط را تحلیل کنیم که در مدیریت شهر تهران چه اتفاقاتی رخ داده است. به عنوان مثال در پایان دوران مدیریت آقای کرباسچی بر شهر تهران بودجه شهرداری تهران در حدود ۲۰۰ میلیارد تومان بود. پس از ایشان بودجه مدیریت شهری در دوران مدیریت آقای الویری ۵۵۰ میلیارد تومان بود. در زمان مدیریت آقای ملک مدنی بودجه شهرداری تهران به ۱۲۰۰ میلیارد تومان رسید. این در حالی است که آقای احمدی نژاد بودجه شهر تهران را ۲۳۰۰ میلیارد بست.

در دوره اول مدیریت آقای قالیباف بودجه شهرداری تهران حدود ۷۰۰۰ میلیارد بود و در پایان دوران مدیریت آقای قالیباف در حدود ۱۵۷۰۰ میلیارد بود. این میزان رشد بودجه را نشان می‌دهد اما هنگامی که به جزئیات توجه می‌کنیم باید به این مسائل توجه کنیم که چه میزان از منابعی مانند شهرسازی و یا تخلفات شهری تأمین شده است. در واقع این موضوع بیانگر این است که مسأله‌ی که باید به عنوان تخلف با آنها برخورد می‌شده به ردیف درآمدی تبدیل شده و به عکس خود تبدیل شده است.

در این زمینه نحوه بررسی و نظارت شورای شهر نیز از اهمیت زیادی برخوردار است. اگر آرزوهای برای شهر تهران وجود داشته باشد که اولویت ندارند و بود یا نبود آنها در روند زندگی مردم تأثیر نداشته باشد اگر اجرایی هم شود تغییر زیادی در شهر ایجاد نخواهد کرد. مهم‌ترین وظیفه مدیریت شهری این است که بدانند این بودجه محدود را چگونه استفاده کند که بیش‌ترین بهره‌وری را داشته باشد.

داشتن برنامه و اعتقاد به حرکت در مسیر قانون دو مسأله مهم در مدیریت شهری تهران است. اینکه یک مدیر چشم‌انداز قانونی برای رسیدن به این چشم‌انداز حد اکثر و فاق نیز وجود داشته باشد اهمیت است. این مرتب با مدیریت شهری نداشت توسط شورای شهر اصولگرای ششم به عنوان شهردار تهران انتخاب می‌شد. انتخابی که با سرو صدای زیادی همراه بود. زاکانی در مدتی که به عنوان شهردار تهران فعالیت می‌کند اقداماتی انجام داده که برخی از آنها با انتقاد کارشناسان همراه بوده است. «آرمان ملی» برای تحلیل و بررسی شرایط مدیریت کنونی شهر تهران با دکتر پیروز حناچی، شهردار سابق تهران گفت‌وگو کرده که در ادامه حاصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

شهرداری آموخته معماری هستتید و قبل از شهرداری تهران در سمت‌هایی مانند معاون شهردار، معاون وزیر راه و شهرسازی و دبیر شورای عالی شهرسازی بودید. آیا اینکه پس از شما فردی به عنوان شهردار تهران انتخاب شد که هیچ سابقه‌ای در زمینه مدیریت شهری نداشت چه احساسی دارید؟

مدیریتی که از گذشته با مسائل مدیریت شهری آشنا بوده، با آنها درگیر بوده و به آنها فکر کرده قطعاً می‌تواند مدیر بهتری برای شهر تهران باشد. نکته دیگر اینکه مدیری که خودش به مسائل شهری اشراف دارد با مدیری که بدنه کارشناسی شرایط را برایش فراهم می‌کند نتیجه متفاوتی خواهد داشت. داشتن برنامه و اعتقاد به حرکت در مسیر قانون دو مسأله مهم در مدیریت شهری تهران است.

اینکه یک مدیر چشم‌انداز قانونی برای مدیریت شهری ایجاد کند که برای رسیدن به این چشم‌انداز حد اکثر و فاق نیز وجود داشته باشد حائز اهمیت است. این موضوع به این دلیل مهم است که اگر از شما پرسند دو دهه دیگر شهر تهران کجا خواهد بود قادر به پاسخگویی به این سوال خواهید بود. اگر برنامه‌ای وجود نداشته باشد امور شهرداری تهران به روزمرگی و وقت‌گذرانی کردن می‌گذرد.

در چنین شرایطی اگر از شما سوال پرسیده شود که این مسیر در نهایت به کجا منتهی خواهد شد نمی‌توانید پاسخ روشنی به آن دهید. به عنوان مثال طرح جامع تهران با نگاه آینده‌نگرانه تدوین شده و افقی مشخصی را در نظر گرفته است. در صورتی که نظام مدیریت شهری با این برنامه‌ها هماهنگ نباشد و حرکت خود را بر این اساس تنظیم نکند در نهایت در جا می‌زند و دور خود می‌چرخد. در چنین شرایطی اگر از شهردار تهران سوال شود که کجا قرار است بروید نمی‌تواند به آن پاسخ بدهد.

مدیریت شهری در دوران آقای زاکانی بیش از اندازه ایدئولوژیک نشده است؟

موضوع ایدئولوژیک شدن مدیریت شهری تهران نیست و بلکه به کیفیت زندگی مردم باز می‌گردد. این یک نوع کج سلیقه‌ی است اگر ما ایدئولوژی را در مقابل کیفیت زندگی قرار بدهیم. امروز اگر از مردم تهران سوال شود که مهم‌ترین مشکلات شما در تهران چیست بدون تردید پس از مشکلات اقتصادی عنوان می‌کنند آلودگی هوا و ترافیک مهم‌ترین مشکلات آنهاست. داشتن برنامه و حل این معضل آرزوی هر مدیر شهری است و اگر اقداماتی که صورت می‌گیرد به نتیجه برسد مردم از آن بهره می‌برند.

در شرایط کنونی ما از نظر زیرساخت‌های مترو اعم از طول مسیر و تعداد ایستگاه در رتبه ۱۶ جهان قرار داریم که نتیجه زحمات دوره‌های مختلف مدیریت شهری در تهران بوده است. با این وجود اگر بپرسیم آیا میزان بهره‌وری از این زیرساخت‌ها به اندازه کافی است یا خیر پاسخ منفی خواهد بود. یکی از دلایل این وضعیت تعداد واگن‌هاست که به اندازه کافی نیست. این در حالی است که در صورتی که تعداد واگن‌ها به حد نصاب برسد ما می‌توانیم فاصله قطارها را تا دو نیم دقیقه کاهش بدهیم.

در دوران مدیریت آقای زاکانی مهم‌ترین چالش‌های شهر تهران چیست و آیا رویکردی که مدیریت شهری در پیش گرفته در راستای حل این چالش‌هاست؟

بر اساس مدیریت استراتژیک آنچه حائز اهمیت است این

نگره

دیلمان، تولد نسل جدید ناوشکن‌های ایرانی

پیشرفته در طراحی وزیر سامانه‌ها

«دیلمان» محصولی از ناوشکن‌های کلاس موج است که ناوشکن جماران، نخستین محصول از این خانواده به شمار می‌رود که در سال ۱۳۸۸ با حضور فرمانده معظم کل قوا به ناوگان جنوب نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران ملحق شد. ناوشکن‌های کلاس موج ناوشکن‌هایی با طول ۹۴ متر، عرض ۱۱ متر و وزنی بین ۱۳۰۰ تا ۱۵۰۰ تن محسوب می‌شوند که نخستین موج تولید شده، جماران بود البته تجهیزات جماران در سال‌های بعد تغییرات زیادی یافت و ارتقا پیدا کرد. جماران در زمان رونمایی، مجهز به موشک کروز ضد کشتی، توپ دریایی، اژدر، موشک‌های پدافندی و سامانه راداری سه بعدی بود. دماوند، دومین ناوشکن از کلاس موج است که با همان امکانات ناوشکن جماران ساخته شده و در سال ۱۳۹۳ به ناوگان شمال نیروی دریایی ارتش الحاق یافت. دماوند، از نظر ویژگی‌های ظاهری و تسلیحاتی مشابه جماران بود با این حال ویژگی بزرگ دماوند این بود که نخستین ناوشکن جمهوری اسلامی ایران در دریای خزر به حساب می‌آمد. سومین ناوشکن از کلاس موج در نیروی دریایی ارتش، «سهند» نام دارد. جماران و دماوند، توسط صنایع دریایی وزارت دفاع ساخته شده‌اند؛ سهند در کارخانجات نیروی دریایی ارتش در ناوگان جنوب ساخته شد. سهند، نخستین ناوشکن کلاس موج بود که روی آن سامانه دفاع نقطه‌ای کمند نصب شد که می‌توانست از خود و یگان‌های همراه با استفاده از این سامانه در برابر تهدیدات ارتفاع پست مانند موشک‌های کروز حفاظت کند. از دیگر تفاوت‌های سهند با جماران و دماوند، طراحی بدنه بود؛ در این طراحی با یکپارچه‌کردن بدنه اصلی ناوشکن، پنهان‌کاری و رادارگریز بیشتر ناوشکن را به همراه داشت. همچنین امکان پذیرش بالگردهای بزرگ‌تر هوادریا مانند SH۳ با استفاده از پد فرود بالگر بزرگ‌تر در ناوشکن سهند دیگر تفاوت آن نسبت به جماران و دماوند محسوب می‌شود. سهند مانند دماوند به موشک کروز ضد کشتی، توپ دریایی، اژدر، موشک پدافندی و سامانه راداری کشف اهداف هوایی مجهز است. «دنا»، چهارمین عضو از خانواده ناوشکن‌های کلاس موج دریانوردی دور دنیای آن در قالب ناو گروه ۸۶ نیروی دریایی ارتش است که برای این ناوشکن شهرت جهانی به ارمغان آورد. صورت‌بندی تسلیحاتی ناوشکن دنا هم مانند ناوشکن‌های جماران و دماوند است با این تفاوت که در حوزه سامانه‌های جنگ الکترونیک دنا به سامانه‌های زیور و زور و پیشرفته‌تری مجهز است. ناوشکن دماوند به عنوان دومین ناوشکن از کلاس موج در سال ۱۳۹۳ به عنوان نخستین ناوشکن جمهوری اسلامی ایران در دریای خزر به ناوگان شمال نیروی دریایی ارتش الحاق شد که در ۱۳۹۶ طی سانحه‌ای در بندر انزلی رخ داد. این ناوشکن از مدار عملیاتی خارج شد. از همان زمان ساخت دلوپاره یک ناوشکن در دریای خزر در دستور کار نیروی دریایی ارتش و وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح قرار گرفت. با این حال رشد فناوری و توانمندی‌های ساخت و تولید کشورمان به حوزه صنایع دریایی طی سال‌های گذشته، متخصصان ندادا و وزارت دفاع را بر آن داشت تا با طراحی جدید، نسخه‌ای پیشرفته‌تری از ناوشکن‌های کلاس موج، ارائه کنند و همین موضوع منجر به تولد ناوشکن دیلمان به عنوان پیشرفته‌ترین و مجهزترین ناوشکن تولید شده توسط جمهوری اسلامی ایران تاکنون شد.

مزیت‌های دیلمان

نخستین وجه تفاوت ناوشکن دیلمان نسبت به دیگر ناوشکن‌های کلاس موج، طراحی جدید دکل است؛ دکل این ناوشکن برخلاف دیگر ناوشکن‌های کلاس موج از طراحی چهار وجهی و یکپارچه‌ای برخوردار است. رادار ناوشکن دیلمان، از نوع آرایه فازی و به‌روزترین و پیشرفته‌ترین رادار نصب شده روی ناوشکن‌های ایرانی است که قابلیت کشف و رهگیری اهداف سطحی و هوایی مانند هواپیما، پهباد، بالگردها، شناورهای سطحی و هدایت موشک‌های سطح به سطح و موشک‌های پدافندی را دارد. مزیت اصلی این رادار نسبت به رادار صحر ناوشکن جماران و دماوند و رادار AWS دیگر ناوشکن‌های کلاس موج، غیر چرخان بودن آن است که باعث می‌شود اجزایی از ساختار رادار حذف شوند که همین موضوع باعث تسهیل موضوع تعمیر و نگهداری رادار و کاهش هزینه‌های مربوطه می‌شود. هر وجه این رادار از ۱۰۰۰ عنصر راداری آرایه فازی برخوردار است که مجموعاً از چهار هزار عنصر راداری تشکیل شده و قابلیت ردیابی چندین هدف را به صورت هم‌زمان دارد چراکه نرخ بروز رسانی داده‌های این رادار کسری از ثانیه است. از دیگر ویژگی‌های بارز این رادار، قابلیت‌های منحصر به فرد ضد جنگ الکترونیک (ECCM) از جمله ارسال تصادفی پالس فرستنده، جابه‌جایی و تعویض سریع فرکانس، تجزیه و تحلیل هم‌بند (جنگ الکترونیک) برای سامانه تیربند، کنترل حساسیت نسبت به زمان، تغییرات سریع فرکانس تکرار پالس و فشرده‌سازی پالس است. تفاوت دیگر دیلمان نسبت به سایر ناوشکن‌های کلاس موج در قسمت پیش‌راشه است. این ناوشکن از چهار موتور با چهار خط مجزای شافت و پروانه برخوردار است که به دلیل توان تحرک و مانور بیشتر آن در شرایط جوی دریای خزر است.